

مبارزه با تروریسم و ردپای رقابت‌های کاخ سفید و کاخ کرملین

عبدالرحمن فهیمی

حاضر به کمک تسلیحاتی کشور می‌شود؟ در خواست کمک تسلیحاتی از روسیه به معنای حساس کردن جلوه‌های سیاسی غرب و تشدید رقابت‌ها و رویارویی‌ها نیست؟ واکنش آمریکا در برابر این امر چه خواهد بود؟

این نگرش طرفدار استفاده نکردن از فرصت‌های موجود پیش آمده منطقه‌ای جهانی در راستای تقویت نبرد در برابر تروریسم نیست، اما به نظر می‌رسد که دستگاه حکومت بایستی محتاطانه گام برداشته و به دقت تصمیم بگیرد. ما متحد استراتژیک آمریکا و سازمان ناتو هستیم و از این رهگذر کشاندن پای روسیه به معنای حساس کردن واشنگتن و تشدید رقابت‌ها خواهد بود.

آمریکا از نقش‌آفرینی نظامی و سیاسی روسیه در کشورهای متحد و هم‌کارش به شدت حساس خواهد شد. چندی قبل، پس از شروع عملیات‌های هوایی نظامیان روسی جهت درهم‌کوبیدن مواضع داعش و ترویج‌ت‌ها در سوریه، حیدر عبادی نخست‌وزیر عراق گفت که کشور از روسیه خواهد خواست، تا مواضع داعش را بمباران کند. اما چند روز بعد آمریکا اعلام کرد که عراق از روسیه درخواست عملیات هوایی نمی‌کند. این به این معناست که واشنگتن به بغداد اعمال فشار کرده و وادار کرده که چنین بحث را مطرح نکند.

پس از طرح بحث کمک تسلیحاتی روسیه به کشور از سوی رییس‌جمهور غنی، جان‌کین از سناتوران نافوذ آمریکا ابراز نگرانی کرده و اداریه‌ای او با ریه شدت مورد انتقاد قرار داده‌است. به باور او اداریه ضعیف او با ما، باعث شده که روسیه ایران نقش فعال بازی کرده و ممکن‌است جای نبردهای آمریکایی را در نبردهای نظامی این کشورها پر کند.

بنابراین، برقراری رابطه‌ای نظامی با روسیه، سایه‌اش را بر همکاری و روابط با آمریکا و ناتو خواهد انداخت. پس بهتر می‌نماید که دستگاه حکومت راه‌حل‌های را در درون اتحاد ما با غرب جست‌وجو کند.

آسیب‌های مرکزی به مثابه حوزه نفوذ یا حیات خلوت‌اش است. حتی ممکن‌است امنیت خود مسکو را با تهدید مواجه کند. جایگاه افغانستان

ما در کجای معادله قرار داریم؟ و جایگاه ما در کدام بلوک‌سیاسی‌است؟ ما متحد استراتژیک ایالات‌متحده آمریکا و سازمان نظامی ناتو هستیم. با آمریکا پیمان‌های استراتژیک و دفاعی - امنیتی امضا کرده‌ایم. دولت نی‌بند کنونی که موجود است، به کمک این‌ها بوده‌است. هنوز هزینه‌های سنگین نیروهای نظامی ما را نمی‌توانیم پرداخت نماییم، از این‌رو از سوی این کشورها پرداخت می‌گردد. نه تنها هزینه‌های نیروهای نظامی بلکه پول و منابع مالی پیش‌برد فرایند توسعه‌یاب‌ها را نیز نداریم. پس جایگاه ما در بلوک و «باشگاه‌سیاسی» به رهبری ایالات‌متحده آمریکا، است. عقلتیت و خردسیاسی حکم می‌کند که سیاست‌ت‌ خارجی و مناسبات خارجی ما با دولت‌های خارجی در ذیل اتحاد استراتژیک و هم‌پیمانی ما با آمریکا و ناتو تعریف شود.

در کشت و قوس و گیرودار مبارزه‌ی روسیه در برابر گروه‌داعش در سوریه و اعلام نگرانی‌های این کشور در پیوند به آمریکا و متحدین‌سیاسی غربی‌اش، در برابر روسیه و حوزه‌های نفوذش می‌باشد. بنابراین، رقابت میان دو کشور بیشتر شده‌است. جنگ آمریکا و متحدین‌سیاسی‌اش در افغانستان که در قالب سازمان ناتو می‌چکنند، پس از چهارده‌سال به نتیجه‌ی نرسیده و حتی شدیدتر، عمیق‌تر و وخیم‌تر نیز شده‌است. الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه و حمایت‌سیاسی قدرت‌مند از بش‌ار نمی‌گردد، بلکه گروه به مراتب افراطی‌تر داعش نیز در بخش‌های کشور نفوذ کرده و مصروف فعالیت‌های هراس‌افگنی می‌باشد. با توجه به نگاه بدبینانه و توطئه‌گرایانه‌ی روسیه و کشیده شدن جنگ به سمت شمال کشور، کاخ‌کرملین احساس تهدید بیشتری می‌کند. این کشور، تصور می‌کند که تروریسم ابزار جهت نفوذ آمریکا در محسوب می‌شود، اکنون به مثابه تهدید کلان منطقه‌ای و جهانی به شمار می‌رود و ماجرای اصلی این‌است که نوع‌نگاه مسکو به این گروه توطئه‌گرایانه‌است. پوتین تصور می‌کند که گروه‌داعش پروژه‌ی از سوی آمریکا و متحدین‌سیاسی غربی‌اش، در برابر روسیه و حوزه‌های نفوذش می‌باشد. پوتین هم‌چنان در این کشور تعیین کننده‌است. تفاوت که در سیاست‌ت‌ خارجی او دیده می‌شود این‌است که این‌بار پس از مدویدوف، تقابل و رویایی بیشتر را با غرب به ویژه آمریکا دنبال می‌کند.



به عنوان بحث مهم مطرح شده‌است، تفاوت که دیدگاه دو فرد داشته این‌است که پریماکوف به صورت شدیدتر خواستار تقابل و رقابت با آمریکا بوده، اما پوتین واکنش و نیز تقویت امنیت دسته‌جمعی یا سیستم‌های امنیتی بود. از این‌رو، «قدرت بزرگ هنجارمند» تعبیر می‌گردد. پوتین هم‌چنان در این کشور تعیین کننده‌است. تفاوت که در سیاست‌ت‌ خارجی او دیده می‌شود این‌است که این‌بار پس از مدویدوف، تقابل و رویایی بیشتر را با غرب به ویژه آمریکا دنبال می‌کند.

حمایت شدید پوتین از معترضین اوکراینی و الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه و حمایت‌سیاسی قدرت‌مند از بش‌ار و اسد رییس‌جمهور سوریه و اخیراً ایفای نقش‌نظامی در این کشور، حکایت‌گر این خواهد بود که تقابل، رویارویی شدید و مقاومت روسیه در برابر گسترش و تحکیم هژمونی آمریکا بیش‌تر شده‌است. گروه‌داعش که در آغاز از عراق سر بر آورد و تهدید جدی در برابر دولت بغداد

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان یافتن جنگ سرد، ایالات‌متحده آمریکا خود را تنها قدرت‌بزرگ جهانی بدون رقیب حس کرد. از کاخ کرملین که قبلاً موضع‌گیری‌های متضاد با منافع ملی آمریکا مطرح می‌گردید، اکنون، یلتسنین و کوزبروف وزیر امور خارجه‌اش، هم‌گرایی و دوستی میان دو کشور را مطرح کرده و تلاش می‌کنند، روسیه را به عنوان کشور هم‌سو با آمریکا و هم‌ساز با قوانین و هنجارهای بین‌المللی نشان دهند. حتی بحث روسیه به عنوان یکی از دولت‌های اروپایی مطرح بحث بود. در این وضعیت، آمریکا فرصت‌ت‌لاسی و کلیدی جهت تحکیم، تثبیت و تعمیق هژمونی‌اش در سطح جهان یافت (سازمند، ۱۹۰، ص ۱۴۴). از این‌رهگذر، «استراتژی گسترش» از سوی این کشور روی‌دست گرفته شده و تلاش بر این گردید تا نفوذش در همه‌ی مناطق استراتژیک و حیاتی جهان، از جمله مناطق که قبلاً حوزه‌ی نفوذ روسیه بوده‌است، گسترش یابد.

یکی از پایه‌های استراتژی کلان ایالات‌متحده، مشارکت متحدان سیاسی‌اش در امور جهانی با حفظ «برتری سیاسی» واکنش و نیز تقویت امنیت دسته‌جمعی یا سیستم‌های امنیتی بود. از این‌رو، توجه جدی روی پیمان‌اتلانتیک شمالی (گسترش به سمت شرق» این سازمان قویا حمایت کرد.

و اما در کاخ کرملین نیز، سیاست خوش‌بینانه نسبت به غرب یا بین‌الملل‌گرایسی دوام نکرد. ملی‌گرایان روسی، سیاست‌های یلتسنین و کوزبروف را نپسندیده و خواستار توجه به سمت شرق و احیای جایگاه‌سیاسی روسیه در سیاست بین‌الملل به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ جهانی بودند (همان، ص ۲۰۶).

پس از این، در زمان که «پریماکوف» متصدی وزارت خارجه بود و بعد ولادیمیر پوتین رییس‌جمهور شد، بحث احیای جایگاه‌سیاسی روسیه در سیاست بین‌الملل

سرمقاله ضعف دولت در برنامه ریزی اقتصادی

محمدرضا هویدا

همان گونه که دانشمندان می‌گویند، نمی‌توان بحران‌های اجتماعی را به صورت تک بعدی و با تکیه بر یک جنبه از آن تحلیل و تجزیه کرد. امکان ندارد بحران امروزین جامعه افغانستان را با تکیه از یک زاویه تحلیل نمود و به نتیجه رسید. نموده‌های این بحران را در افزایش نا امنی، معتادین، بیکاری، فقر، مهاجرت، بزهکاری، دخالت‌های بیرونی، و... دید.

بدون شکر در جامعه‌ای که جنگ و ناامنی افزایش یابد، نباید انتظار داشت که فعالیت‌های اقتصادی افزایش یابد. افغانستان بعد از انتخابات کشور در موجی از ناامنی، بی‌اعتمادی و ناتوانی دولت درگیر شد و دولت برآمده از این انتخابات نتوانست بحران انتخابات را با موفقیت سپری نماید. دولت هنوز هم با مشکلات دوران انتخابات درگیر است. یکی به خاطر اینکه، تغییراتی که قرار بود بعد از انتخابات در دولت به وجود بیاید هنوز هم نیامده است و باید منتظر بود تا دیده شود که این تغییرات به وجود می‌آید یا نه. و از سوی دیگر دولت تا هنوز نتوانسته کابینه را تکمیل کند. اختلافاتی که دو رئیس (جمهوری و اجراییه) با یکدیگر دارند، چنان وضعیتی را ایجاد کرده است که غلبه بر آن با وضعیت موجود دور از امکان به نظر می‌رسد.

افغانستان یک دوره طلانی اقتصادی را بعد از سال ۲۰۰۱ تجربه کرد. البته هر آنچه در یک دوره حدوداً سه ساله در افغانستان به وقوع پیوست و رشد مثبت اقتصادی آن به خاطر پولهای گزاف از جهت کمک‌های جامعه جهانی بوده است. این رشد اقتصادی سبب شد تا افغانستان یک دوره طلانی را در اقتصاد خود تجربه کند و هزاران تن از مهاجرین افغانی و کارگران دیگر کشورهای افغانستان سرازیر شوند و در پروژه‌های مختلف کار کنند. با اتمام این وضعیت و کاهش پول‌های کمکی، وضعیت اقتصادی افغانستان به سوی بدتر شدن پیش رفته است و انتظار می‌رود این وضعیت بدتر از حالت فعلی گردد. حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در افغانستان نیز به اعتبار وضعیت مطلوبی بود که در آن سالها به وجود آمده بود. تحرکی که در اقتصاد دیده می‌شد بی‌ارتباط به تحرکی که در سیاست به وجود آمده بود. حرکت معکوس مهاجرین از کشورهای خارجی به داخل افغانستان نیز در آن زمان به صورت فزاینده‌ای رو به رشد بود. در حالی که امروزه که سرمایه‌گذاران به صورت برعکس شده و علاقه‌ای از سوی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی برای سرمایه‌گذاری در افغانستان دیده نمی‌شود و تحرک اقتصادی دیده نمی‌شود، سیاست نیز جز ناامیدی و یاس از عملکرد دولت و دولتمردان چیزی دیده نمی‌شود.

در یک حدود ده روز گذشته شماری از تصمیمات اقتصادی دولت از سوی پارلمان رد شده است. از گرفتن ده درصدی مالیه از مکالمات تلفونی گرفته تا تشکیل مشاوریت اقتصادی ریاست جمهوری با اکثریت آرای نمایندگان پارلمان رد شده است. تقابل دولت و پارلمان در برنامه‌های اقتصادی خود وضعیت پیچیده و نومید کننده اقتصادی در افغانستان را وارد فاز جدیدی می‌سازد که دولت نمی‌تواند رضایت نمایندگان مجلس و به تبع آن رضایت مردم افغانستان را بگیرد. دولت با مخالفت گسترده مردم در اخذ مالیه ده درصدی مواجه شد و با رای رد از سوی نمایندگان مردم در پارلمان تمثیل شد.

فعالیت‌های اقتصادی دولت در سال روان، تحت تاثیر وضعیت سیاسی و امنیتی به طور ناامید کننده ضعیف و بی برنامه پیش رفت. نرخ بیکاری افغانی با ارزش‌های خارجی، کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش بیکاری، افزایش فقر و... را جز به ناتوانی مدیریت دولتی نمی‌توان به چیز دیگری نسبت داد. تبلیغات کلانی در رسانه‌ها از فعالیت اقتصادی دولت می‌شود، و برنامه‌هایی که در قالب پلان‌های یک ساله و پنج ساله و چند ماهه ارائه می‌شود، نه تنها کاری از پیش نبرده که بر میزان ناامیدی بازار و مردم افزوده است. دولت افغانستان باید این واقعیت را قبول کند که این راه به ثبات و اطمینان بازار و مردم نمی‌رسد.

توسعه اقتصادی

قسمت دوم و پایانی



او معتقد بود "سیستم مبتنی بر بازار سرمایه‌داری رقابتی" منافع همه طرف‌ها را تأمین می‌کند.

اسمیت سرمایه‌داری را یک نظام بهره‌وری با توانی بالقوه برای افزایش رفاه انسان می‌دید. بخصوص او روی اهمیت تقسیم‌کار (تخصصی شدن مشاغل) و قانون انباشت سرمایه به عنوان عوامل اولیه کمک‌کننده به پیشرفت اقتصادی سرمایه‌داری (و یا به تعبیر او "ثروت ملل") تأکید می‌کرد. او اعتقاد داشت "تقسیم‌کار" باعث افزایش مهارت‌ها و بهره‌وری افراد می‌شود و باعث می‌شود تا افراد (در مجموع) بیشتر بتوانند تولید کنند و سپس آنان را مبادله کنند. باید بازارها توسعه یابند تا افراد بتوانند مازاد تولید خود را بفروشند (که این نیازمند توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل است).

آدام اسمیت اولویت‌های سرمایه‌گذاری را در کشاورزی، صنعت و تجارت می‌دانست، چون او معتقد بود به دلیل نیاز فزاینده‌ای که برای مواد غذایی وجود دارد کمبود آن (و تاثیرش بر دستمزدها) می‌تواند مانع توسعه شود. تنوری توسعه اقتصادی اسمیت، یک نظریه گذار از

غذایی و محصولات کشاورزی، کشاورزان مجبور خواهند شد زمین‌های دارای کارفرمایان استخدام شوند. این امر باعث می‌شود که کارگران قادر به خرید کالاهای تولیدی خود نباشند، لذا لازم است چنین کالاهایی توسط دیگر افشار جامعه خریداری شود. به نظر وی، اگرچه سرمایه‌داران قدرت مصرف منافع خود را دارند اما بیشتر مایل به گردآوری ثروت هستند. مالکان زمین هم که مایل به خرید چنین کالاهای مازادی هستند نمی‌توانند تمام مازاد تولید را جذب نمایند. به همین خاطر "جنگ" (بسرایی تصاحب بازارهای جدید و افزایش تولید) راهگشای معضل اشباع بازار برای کشورهای همچون آمریکا و انگلستان بوده است. او پیشنهاد می‌کند در مواقعی که کشور دچار بحران است باید به افزایش هزینه‌ها در کارهایی که بازده و سودشان مستقیماً برای فروش وارد بازار نمی‌شود (همچون راهسازی و کارهای عمومی) پرداخت. نظریه ریکاردو و مالتوس، به توسعه مکتب کلاسیک بنیان‌گذاری شده توسط اسمیت پرداخت. درحالی‌که اسمیت روی مساله "تولید" تأکید می‌ورزید، ریکاردو بر مبحث "توزیع درآمد" متمرکز گردید و بعداً نئوکلاسیک‌ها (شاگردان وی) بر "کارایی" متمرکز شدند. دو نظریه معروف او، "قانون بازده نزولی" و "مزیت نسبی" است: الف. قانون بازده نهایی نزولی: به اعتقاد ریکاردو، هم‌زمان با رشد اقتصادی و جمعیتی، به دلیل افزایش نیاز به مواد

غذایی و محصولات کشاورزی، کشاورزان مجبور خواهند شد زمین‌های دارای کارفرمایان استخدام شوند. این امر باعث می‌شود که کارگران قادر به خرید کالاهای تولیدی خود نباشند، لذا لازم است چنین کالاهایی توسط دیگر افشار جامعه خریداری شود. به نظر وی، اگرچه سرمایه‌داران قدرت مصرف منافع خود را دارند اما بیشتر مایل به گردآوری ثروت هستند. مالکان زمین هم که مایل به خرید چنین کالاهای مازادی هستند نمی‌توانند تمام مازاد تولید را جذب نمایند. به همین خاطر "جنگ" (بسرایی تصاحب بازارهای جدید و افزایش تولید) راهگشای معضل اشباع بازار برای کشورهای همچون آمریکا و انگلستان بوده است. او پیشنهاد می‌کند در مواقعی که کشور دچار بحران است باید به افزایش هزینه‌ها در کارهایی که بازده و سودشان مستقیماً برای فروش وارد بازار نمی‌شود (همچون راهسازی و کارهای عمومی) پرداخت. نظریه ریکاردو و مالتوس، به توسعه مکتب کلاسیک بنیان‌گذاری شده توسط اسمیت پرداخت. درحالی‌که اسمیت روی مساله "تولید" تأکید می‌ورزید، ریکاردو بر مبحث "توزیع درآمد" متمرکز گردید و بعداً نئوکلاسیک‌ها (شاگردان وی) بر "کارایی" متمرکز شدند. دو نظریه معروف او، "قانون بازده نزولی" و "مزیت نسبی" است: الف. قانون بازده نهایی نزولی: به اعتقاد ریکاردو، هم‌زمان با رشد اقتصادی و جمعیتی، به دلیل افزایش نیاز به مواد

فئودالیسم به صنعتی شدن است. شهرت مالتوس بیشتر به نظریه جمعیتی وی مربوط می‌شود حال آنکه وی در مورد مسایل اقتصادی مانند اشباع بازار و بحران‌های اقتصادی نیز دارای نظریات دقیقی است. در اینجا به صورت گذرا هر دو را بیان می‌کنیم: الف. نظریه جمعیتی مالتوس: او معتقد بود با افزایش دستمزدها (فرازی از سطح حداقلی معیشت)، جمعیت افزایش می‌یابد، چون همراهی افزایش دستمزدها با افزایش میزان تولید، باعث فراوانی بیشتر مواد غذایی و کالاهای ضروری شده و بجه‌های بیشتری قادر به ادامه حیات خواهند بود. به اعتقاد او، وقتی دستمزدها افزایش می‌یابد و با فرض سیری‌ناپذیری امیال جنسی فقرا، می‌توان انتظار داشت که در صورت عدم وجود موانع، جمعیت طی هر نسل (هر ۲۵ سال یک‌بار) دو برابر گردد، به همین علت، علی‌رغم افزایش درآمدهای فقرا، همچنان طبقات فقیرتر جامعه، فقیر باقی می‌مانند. در مقابل رشد محصولات کشاورزی فقط به صورت تصاعد حساسی و با نرخ ۱/۲ و ۱/۳ ... افزایش می‌یابد. بدین خاطر، ناکافی بودن تولید مواد غذایی باعث محدود شدن رشد جمعیت شده و بعضاً درآمد سرانه نیز به سطحی کمتر از معیشت تنزل می‌یابد. تعادل وقتی بوجود می‌آید که نرخ رشد جمعیت، با افزایش میزان تولید همگام گردد.



توسعه اقتصادی اسمیت، یک نظریه گذار از فئودالیسم به صنعتی شدن است. شهرت مالتوس بیشتر به نظریه جمعیتی وی مربوط می‌شود حال آنکه وی در مورد مسایل اقتصادی مانند اشباع بازار و بحران‌های اقتصادی نیز دارای نظریات دقیقی است. در اینجا به صورت گذرا هر دو را بیان می‌کنیم: الف. نظریه جمعیتی مالتوس: او معتقد بود با افزایش دستمزدها (فرازی از سطح حداقلی معیشت)، جمعیت افزایش می‌یابد، چون همراهی افزایش دستمزدها با افزایش میزان تولید، باعث فراوانی بیشتر مواد غذایی و کالاهای ضروری شده و بجه‌های بیشتری قادر به ادامه حیات خواهند بود. به اعتقاد او، وقتی دستمزدها افزایش می‌یابد و با فرض سیری‌ناپذیری امیال جنسی فقرا، می‌توان انتظار داشت که در صورت عدم وجود موانع، جمعیت طی هر نسل (هر ۲۵ سال یک‌بار) دو برابر گردد، به همین علت، علی‌رغم افزایش درآمدهای فقرا، همچنان طبقات فقیرتر جامعه، فقیر باقی می‌مانند. در مقابل رشد محصولات کشاورزی فقط به صورت تصاعد حساسی و با نرخ ۱/۲ و ۱/۳ ... افزایش می‌یابد. بدین خاطر، ناکافی بودن تولید مواد غذایی باعث محدود شدن رشد جمعیت شده و بعضاً درآمد سرانه نیز به سطحی کمتر از معیشت تنزل می‌یابد. تعادل وقتی بوجود می‌آید که نرخ رشد جمعیت، با افزایش میزان تولید همگام گردد.

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سرمدیر: حفیظ الله زکی
- کاریکاتورست: خالق علی زاده
- دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
- مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
- آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷-۱۲۸

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله ییانتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com